

آیا اگر ایران در مناقشه هسته ای عقب نشینی کند آمریکا با جمهوری اسلامی از در صلح درخواهد آمد؟

نقدی بر بیانیه 121 نفر ایرانیان در خارج از کشور

از محسن مسرت 18 فوریه 2013

اخيراً بیانیه‌ای به امضای 121 نفر از فعالین سیاسی ایرانی خارج از کشور انتشار یافته که در آن از دولتمردان جمهوری اسلامی خواسته شده است که "پیش از فاجعه به مناقشه هسته ای پایان دهید". نویسنده‌گان ضمن تاکید به مخالفت "با دیدگاه هایی که از تشدید بحران اتمی استقبال میکنند تا زمینه را برای میدان داری و عاملیت کشور های خارجی برای مدیریت تغیر نظام سیاسی در ایران مساعد شود از همه آنهاییکه" تا به امروز با سکوت خود در رابطه با تداوم برنامه غنی سازی اورانیم دست ولی فقیه را برای کشاندن ایران به این ورطه آزاد گذاشته اند" خواسته اند که "به منافع ملی ایران بیاندیشند و رژیم را با یک تقاضه منطقی در زمینه برنامه اتمی که خطر حمله نظامی را منتفی کند تشویق نمایند" از نظر نویسنده‌گان بیانیه مقصود از تقاضه منطقی چیز دیگری نیست بجز "توقف موقت درجه ای از غنی سازی اروانیوم، اجرای پروتوكول الحاقی و پذیرش قطعنامه های شورای امنیت" یعنی قبول کلیه خواسته‌های ایالات متحده و غرب.

اینجانب با اصل مطرح شده جلوگیری از جنگ علیه کشورمان و دخالت نظامی یا غیر نظامی برای تعیین سرنوشت مردم و تمامیت ارضی ایران با نویسنده‌گان بیانیه بدون قید و شرط موافقم. اما بنظر من پیشنهاد آنها برای جلوگیری از فاجعه جنگ اگر ساده لوحانه نباشد حداقل از مفروضات غیر واقعی و اعتماد کامل به اینکه غرب در مناقشه هسته ای با ایران نیت سوئی ندارد و این فقط جمهوری اسلامی است که به دنبال "ماجراجویی و عظمت طلبی" میباشد، سرچشم میگیرد. معلوم نیست که آیا نویسنده‌گان بیانیه کلیه پیامدهای پیشنهاد خود را ارزیابی کرده اند؟ آیا آنها اصولاً تحلیلی دقیق و مستندی از انگیزه های آمریکا و غرب در مناقشه هسته ای با جمهوری اسلامی لا اقل برای خودشان دارند و مطمئن اند که اگر جمهوری اسلامی پیشنهادشان را عملی نماید و کلیه خواسته های غرب را هم پذیرد آنها تحريم هارا لغو نموده و با جمهوری اسلامی از سر آشتبای در میانند؟ اگر چنین نشد و رهبران سیاسی غرب علیرغم قبول خواسته های آنها از طرف جمهوری اسلامی شروع به زمزمه در این باره نمودند که به رهبران جمهوری اسلامی اصولاً نمیتوان اعتماد نمود ولذا قطعاً پشت سر موافقت آنها جیله ای خوابیده است، در اینصورت نسخه نویسنده‌گان بیانه 121 نفر برای جلوگیری از جنگ و جلب توافق غرب چه خواهد بود؟ آیا باید خواسته‌های بعدی غرب را، مثلاً کنترل وسیع مراکز نظامی ایران را هم قبول کرد که آنها به احتمال زیاد با توجیه اینکه ایران هنوز به اندازه کافی اعتماد سازی نکرده است بمبیان خواهند آورد؟ طرح این سؤال نشان میدهد که نمیتوان از کنار انگیزه های غرب به سادگی گذر نمود و یا از این فرض حرکت کرد که انگیزه های واقعی ایالات متحده و غرب با آنچه که آنها مدعی هستند تطابق کامل دارند، یعنی آنها قصدشان فقط اینست که از گسترش تسلیحات هسته ای جلوگیری کنند، سدی جلوی مسابقه تسلیحاتی هسته ای در خاورمیانه و نزدیک بر پا نمایند و در آخرین تحلیل هم مانع تهدیدات جدیدی برای موجودیت اسرائیل و تکرار واقعه هولوکاوست شوند. و آنها غیز از این انگیزه ها هیچ نظر دیگری نداشته و بخصوص هدف تغیر رژیم در ایران را دنبال نمیکنند. قبول انگیزه های طرح شده از طرف آمریکا و غرب میتواند هم نشانه خوش نیتی و یا ساده لوحی نویسنگان بیانیه باشد و هم اینکه آنها هم در حقیقت با رفتار غرب و نظام مسلط آمریکائی مشکلی ندارند. اما از دید من قبل از هر چیز ضروری است که حد اقل در ارزیابی خودمان از مناقشه هسته ای غرب با جمهوری اسلامی صداقت بخرج دهیم و با تکیه به منافع ملی و دفاع از تمامیت ارزی کشورمان هم که شده و علیرغم مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی رفتار آمریکا و غرب را نیز با معیار های انتقادی و

علمی به بحث بکشیم. در غیر این صورت قطعاً در همان چاله ای خواهیم افتاد که طرفداران تشدید مناقشه هسته ای برای تغییر رژیم به همسوئی با ایالات متحده و غرب در آن غوطه ورند و نویسنده‌گان بیانیه نمیخواهند در آن چاله بیفتند. اما رفتار آمریکا و غرب در مناقشه هسته ای با ایران سوالات بسیاری را پیش میکشد که من در پائین انها را مطرح میکنم:

الف- چرا تا کنون آمریکا و غرب که خطر را در برنامه هسته ای جمهوری اسلامی میبینند، کمترین تعقیق را در باره خطرات هیجان انگیز خود فن آوری هسته ای بکار نبرده اند که اگر خطری با استفاده از این فن آوری برای بشریت وجود دارد منبع این خطر را ریشه کن نمایند. و اما اگر جامعه جهانی برای محدود کردن خطرات استفاده از این فن آوری قرارداد اند پی تی را تدوین کرده است، پس چرا در این قرارداد حق استفاده صلح آمیزاز آن همراه با کلیه تاسیسات لازمه از جمله تغليظ و چرخ سوخت به کشورهای عضو اعطای شده است، انگونه که تا کنون بجز هشت کشور مسلح به بمبهای هسته ای حداقل بیست کشور دیگر از جمله آلمان، ژاپن، آفریقای جنوبی، آرژانتین، برزیل و اکثر کشورهای اروپای شرقی ظرفیتهای هسته ای را که جمهوری اسلامی هنوز در دست ندارد مدتهاست در اختیار دارند و از قرار معلوم جامعه جهانی تا حال با آنها هیچگونه مشکلی هم نداشته است. بنابراین اگر مشکلی برای منع گسترش سلاحهای هسته ای وجود دارد این مشکل از یکطرف در خود فن آوری هسته ای و از طرف دیگر در قرارداد اند پی تی نهفته است که به این عده از کشوها اجازه کسب ظرفیتها و امکانات دسترسی به بمبهای هسته ای را آنهم بصورت قانونی اعطای کرده است و نه در استفاده از این حق از طرف جمهوری اسلامی. اما حقیقت این است که تا کنون آمریکا و غرب در کل کوچکترین اقدامی برای تغییر و تصمیح اند و این خود اثبات میکند که مشکل اصلی آنها خود رژیم جمهوری اسلامی است و نه جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته ای.

ب- اما آیا این استدلال آمریکا، غرب و اسرائیل باور کردنی است که تسلیحات هسته ای جمهوری اسلامی -اگر این کشور موفق به دسترسی به آنها بشود، چیزی که تا کنون قابل اثبات نبوده است- تهدید بزرگی برای موجودیت اسرائیل خواهد بود؟ این استدلال بنظر من نمیتواند آنگونه جدی باشد که آمریکا و غرب مجبور باشند با خاطر آن جمهوری اسلامی را به انزوا بکشانند، تحریمهای را وضع نمایند که به اقتصاد خودشان نیز صدمه بزنند و یا در آخرین تحلیل گزینش پر خطر و پر صدمه جنگ جدیدی در خاورمیانه را انتخاب نمایند. و این در حالی است که راه حل بسیار ساده تر و بی خرج دیگری برای حفظ موجودیت اسرائیل وجود دارد، بدین ترتیب که این کشور به اتحادیه نظامی ناتو بپیوندد، که در این صورت امنیت و موجودیت آن میتواند تا آن حدی تامین گردد که خود اسرائیل هرگز به آن نائل نخواهد گردید. ایا اصولاً امنیت نظامی بالاتری از چتر هسته ای ناتومیتواند برای کشوری وجود داشته باشد، که حتی روسیه و چین هم نمیتوانند به آن بی توجه باشند چه رسد به ایران احتمالاً هسته ای؟ در حقیقت اسرائیل در حال حاضر عملاً جزو ناتو است و مدام در دریای مدیترانه، در کانادا و سایر کشورهای عضو ناتو به مانورهای کوناگون مشترک نظامی مشغول است. اما اینکه چرا تا به حال نه خود اسرائیل و نه کشورهای عضو ناتو این گزینه را برای حفظ موجودیت این کشور جدابقه بمبان نباورده اند بحثی است جداگانه. ولی با این روال این استدلال که برنامه هسته ای جمهوری اسلامی برای امنیت و موجودیت اسرائیل تهدید بزرگی خواهد بود و لذا اسرائیل به تنهاشی یا مشترکاً با آمریکا در صورت لزوم حتی چاره دیگری برای جلوگیری از آن جز در گیری نظامی ندارند نه تنها قابل قبول نیست بلکه مضحکانه نیز میباشد.

پ- استدلال دیگر ایالات متحده و غرب در مناقشه هسته ای با ایران جلوگیری از مسابقه تسلیحات هسته ای در منطقه حساس خاورمیانه و نزدیک است، گوئی که مسابقه هسته ای در منطقه با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی شروع میشود و با جلوگیری از آن هم پایان میابد. این استدلال نه از منظر علمی قابل قبول است و نه با واقعیت تطابق دارد. غرب و آمریکا تا کنون بطور کلی با مناقشه هسته ای خود با ایران از دریچه غیر علمی و مت دستچینی (سلکسیون) و نه مت تمامیت نگری که مت علمی میباشد

نگریسته اند و حقایق را آنطور که در چارچوب اهداف و رفتارشان میگنجد به دلخواه خود ردیف کرده اند آنها تا کنون از طرح این واقعیت که زرادخانه بیش از دویست بمب اتمی اسرائیل ریشه اصلی مسابقه تسليحات هسته ای در منطقه است، طفره رفته اند و مانند خود اسرائیل سرشنan را مثل کبک زیر برداشت و از وجود ظرفیتهای هسته ای اسرائیل اظهار بی اطلاعی میگند و یا اینکه ارزیابی خود از درگیریهای خاورمیانه و نزدیک را برا این فرض پایه ریزی میگند که تسليحات هسته ای اسرائیل اصولاً وجود خارجی ندارد. از این رویه دوروئی و یکجانبه نگری اردوگاه غرب به مناقشه هسته ای با ایران و به بسیاری از درگیریهای منطقه و جهانی از جمله درسوریه که بگذریم این سؤال مطرح است که اگر انگیزه این اردوگاه در قبال برنامه هسته ای جمهوری اسلامی واقعاً جلوگیری از مسابقه تسليحاتی در منطقه است پس چراتا بحال از تشکیل کنفرانس بین المللی برای ایجاد منطقه خالی از تسليحات کشtar دستجمعی حمایت نمیگند، در حالیکه این کنفرانس که با ابتکار مصر و حمایت اکثریت کشورهای عضوسازمان ملل در سال 2010 به تصویب رسید و قرار بود در روزهای 16-18 دسامبر 2012 در هلسینکی تشکیل شود بهترین چارچوب قانونی حل مناقشه هسته ای با ایران را ارائه میدهد و میتواند خارج از جوتهدید و رباعی، و فشارهای اقتصادی تحریمها به جمهوری اسلامی این امکان را بدهد که رهبران آن بدون از دست دادن وجهه به گفتگوبنیشیند و در راستای توافق و یا محدود نمودن برنامه هسته ای خود به توافق با غرب برسند. در چنین کنفرانسی کشورهای منطقه که تهدیدهای تسليحات هسته ای در ابتدا متوجه آنها خواهد بود جزو بازیگران میباشد در حالیکه نهاد ۱+۵ فقط شامل کشورهای خارج از منطقه میباشد که در اولین وحله در پی حفظ منافع خود در منطقه میباشد و علاوه بر آن همواره درسایه جو تنش زا و تهدید آمیز مصوبات سورای امنیت قرار دارد که این خود مانع بزرگی است که جمهوری اسلامی بتواند با آمریکا و غرب به توافق برسد. آمریکا و غرب نه تنها از این کنفرانس آینده ساز برای منطقه حمایت نکردن ، بلکه بر عکس با فشار شدید اسرائیل حتی جلوی تشکیل آنرا نیز گرفتند به ترتیبی که مسئول فنلاندی کنفرانس یاکوب لاپاوا مجبور شد شروع کنفرانس را برای مدت نامعلومی به عقب اندازد.

بنابراین هوطنان نویسنده و امضاكنندگان بیانیه 121 نفر خارج ازکشور جای هیچ گونه شکی وجود ندارد که آمریکا و غرب برنامه هسته ای جمهوری اسلامی را دستاویز اهداف سلطه گرانه خود که پشت اهداف مردم پسند و مقبول مخفی میباشد و نه چیز دیگری. جزو مهمترین این اهداف تغییر رژیم در ایران است که مدت‌هاست در راس سیاست خارجی آمریکا قرارداد و بارک او باما هم تا کنون موفق نشده این هدف نئونکنها را از صحنه سیاستگذاری این کشور خارج نماید. او باما بر عکس تا کنون با تشدید تحریمها علیه ایران عمل نشان داده است که سیاست ایران او هنوز کاملاً در دست نئونکنها و لابی اسرائیل باقی مانده است، زیرا او باما حتی موفق نشد از موقعیت بسیار مطلوب کنفرانس بین المللی برای ایجاد منطقه خالی از تسليحات کشtar دستجمعی در خاور میانه و نزدیک استفاده نموده و ضمن پافشاری به شروع هرچه زودتر این کنفرانس ناقشه هسته ای با ایران را به این کنفرانس سوق دهد. لذا به باور اینجانب برخلاف تعبیر غیر واقعیت‌باز بیانیه، خطر جنگ علیه کشورمان حتی با پیروزی اوباما در انتخابات اخیر در امریکا و حتی اگر سران جمهوری اسلامی در مناقشه هسته نیز عقب نشینی کنند، همواره وجود دارد. و بی جهت هم نیست که رهبران اصلاح طلب در ایران به همان نسبت به رفتار امریکا و غرب بی اعتماد هستند که نسبت به سیاست هسته ای رژیم و لذا سکوت را بر موضوعگیری ترجیح داده اند.

حالا اگر شما نویسنده گان و امضاكنندگان بیانیه 14 فوریه هدفتان آنطور که مدعی هستید چیزی بجز جلوگیری از جنگ علیه میهمنان نیست و این اظهار نظر شما که "در عین حال از حمایت بین المللی (بخوانید حمایت امریکا و غرب، م) ازگذار مسالمت آمیز به دمکراسی در ایران استقبال مینمایید" از دستان در رفته است و به هیچ وجه من الوجوه قصد همسوئی با آمریکا و غرب برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی بكمک دخالت‌های نظامی آنها را ندارید که انسالله چنین است از شما همه میتوانند انتظار داشته باشند که از این به بعد دیگر در رسانه های غربی که در اختیارتان میگذارند تشدید

تحریمهای اقتصادی علیه ایران آنها را چه از جنس "هوشمند" و یا غیر هوشمند ش تقاضا نکنید و برای آنها سوء تفاهم بوجود نیاورید که گویا مردم ایران مشتاق تحریمهای اقتصادی هستند، علاوه بر آن نیز از اوپوزیسیون درون کشور که به درستی سکوت را بر انتخاب هجویات ترجیح داده اند تقاضا نکنید که آنها هم بدنبل راهی بیفتد که در آخرین تحلیل به دخالت نظامی آمریکا و اسرائیل منتهی خواهد شد. شما هموطنان گرامی نیز بر عکس میتوانید مانندیگران برای ایجاد دریچه امید حل مسالمت آمیز درگیری هسته ای با ایران و جلوگیری از جنگ از امکانات محلی کشورهای مسکون خود کمال استفاده را نموده و از دولتهای غربی بخواهید که بر شروع کنفرانس هلسینکی علیرغم مخالفت‌های اسرائیل و آمریکا پا فشاری کنند، زیرا این کنفرانس میتواند غیر از حل مسئله هسته ای با ایران و جلوگیری از ادامه سیاستهای خشونت آمیز اسرائیل با پشتونه رز ادخانه هسته ای خود دورنمای گفتگو برای حل بسیاری از مناقشات دیگر منطقه و همکاری منطقه ای را در دستور کار کشورهای منطقه قرار دهد. انتظار اینجانب از شما هموطنان گرامی که با شماری از جمعtan دوستی و آشنائی دیرینه نیز دارم این است که در ارزیابیاتان با رعایت این اصل تجدیدنظر نماید که حل کلیه مشکلات درونی ایرانیان تنها و تنها به خودشان مربوط است و بس و تکیه به هرقدرت بیرونی آنهم قدرت سلطه گرانی مانند آمریکا که در اولین وحله در پی دفاع از منافع خود میباشد و هروقت هم لازم شد حتی همدستان خود را نیز به ساده گی فدای منافع خود خواهد کرد، همانطوریکه با محمد رضا پهلوی چنین کرد. در هر صورت امیدارم که بجای تعمق بیشتر از حربه های مرسوم در کوبدن نظریات انتقادی از جمله اینکه نویسنده این نقد هدفش دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و یا ایران هسته ای است پرهیز نمائید، چه اینجانب در نامه سرگشاده مورخ 15 نوامبر 2012 خود به رهبران جمهوری اسلامی (http://mohssenmassarrat.weebly.com/uploads/3/3/8/9/3389565/offener\_brief\_fhrung\_irf\_farsi.pdf) نه تنها کوچکترین شکی بر مخالفت دیرنه خود با فن آوری هسته ای و بالاتر از آن با تسلیحات و ایران هسته ای برای احدی باقی نگذارد ام، بلکه از کلیه مسئولین قدیمی و در حال حاضر جمهوری اسلامی که شامل اصلاح طلبان نیز میباشد در خواست نمودم، کنفرانس سازمان ملل برای ایجاد منطقه خالی از تسلیحات هسته ای را به فال نیک بگیرند و با شرکت فعال ایران برای شروع کنفرانس عدم اعتماد موجود نسبت به ایران را خنثی نموده و به از بین بردن جو تنفس زای موجود در منطقه کمک نماید.

**البرز نیوز 14 فوریه 2013**

### هشدار به دولتمردان جمهوری اسلامی "پیش از فاجعه به مناقشه هسته ای پایان دهید"

بیانیه 121 نفر از فعالان سیاسی، کنشگران اجتماعی، اساتید دانشگاه و روشنفکران ایرانی پس از ۱۰ سال مناقشه فزاینده هسته‌ای، منافع ملی ایران به شدت مورد تهدید است. یک‌سال پیش رهبر جمهوری اسلامی ایران گفت: "این روایاهای بد محاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالبیم اینجور نیست. ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرائط بدر و خیریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است." او در آن زمان‌هاً صحبت از آمادگی برای شرایط «شعب ابی‌طالب» را برنمی‌تافت و خود را در شرایط «بدر و خیر» می‌دید. اما در کمتر از یک سال صادرات نقی کشور کمتر از نصف، نرخ برابری پول ملی با ارزهای معتمد کمتر از یک سوم و رشد اقتصادی کشور منفی شد. هر قدمی که ولی فقیه در پیشبرد سیاست تهاجمی و خرد سنتی‌انهی خود برداشته، نتیجه ای جز اززوای بیشتر در سطح بین‌المللی و تحریمهای کمرشکن برای مردم ایران - به ویژه اقشار کم درآمد- نداشته است. سایه خطر شوم جنگ نیز هر روز بر سر مردم ایران پر رنگتر می‌شود.

دیگر آشکار است که پافشاری برای ادامه غنی سازی هسته‌ای با گرفتن شمايل یک قدرت اتمی بر ضد منافع ملی است. نه تنها نمایندگان مردم ایران در کنار کشورهایی مانند اندونزی، ترکیه، آرژانتین، بربزیل و کره در جمع بیست کشور ثروتمند جهان حضور ندارند، بلکه اززوای سیاسی، تحریمهای اقتصادی و نگرانی از تشدید تحریم و آغاز جنگ، آینده‌ای نامعلوم و یا مشابه کره شمالی را برای ایرانیان متصرور ساخته است.

انتخاب مجدد اوباما و انتصاب جان کری و چاک هیگل در وزارت خارجه و دفاع آمریکا، فرصت ویژه ای را گشوده است. در این فضایا کمنگ شدن تهدید های نظامی و تضعیف اراده های جنگ طلب در آمریکا و اسرائیل، بخت موققیت مذاکرات دیپلماتیک در فضایی کم تنش تر را ممکن کرده است. فضایی فعلی شاید از آخرین بخت های موققیت دیپلماسی باشد.

اما خامنه ای بدون توجه به این فرصت با طرح انقلابی گری در مقابل دیپلماسی باز خط تقابل را مطرح نموده و رد مذاکره با آمریکا را در گفتگو های پیش رو با ۵+۱ در قزاقستان توصیه نمود. با توجه به موضع تحریک آمیز ولی فقیه، او دیگر نمی تواند با دعوت مردم به آمادگی برای جنگ و پذیرش ریاضت های اقتصادی، یا توحیلی پنداشتن تهدید های نظامی، افکار عمومی را از مسؤولیت پذیری حکومت در مذاکرات منحرف کند. نهایت بی مسئولیتی و ظلم در حق مردم ایران است که بهای ماجراجویی و عظمت طلبی مقامات حاکم از کیسه مردم ایران و منافع ملی کشور پرداخت شود بدون آنکه مردم ایران نقشی در تصمیم گیری پیرامون بحران هسته ای داشته باشد.

نیروهای ایرانی آزادیخواه، مدافعان منافع ملی ایران، پیجوان توسعه و دموکراسی می کوشند تا با محوریت نقش آفرینی مردم، ندای صلح طلبی ایرانیان و مخالفت آنها با ماجرا جویی ها اتمی را به گوش جهانیان برسانند. در این راستا کمپین صلح و آزادی که توسط ۹ نفر از شخصیت های بر جسته و مبارز داخل راه اندازی شد اقدامی ارزشمند و شایان حمایت است. آنها شجاعانه و مسئولانه خواستار جلوگیری از هر نوع بهانه ای شدن که موجب جنگ و فشار و تحریم اقتصادی می شوند.

امضا کنندگان این بیانیه، همچنین با دیدگاه هایی که از تشید بحران اتمی استقبال می کنند تا زمینه برای میدان داری و عاملیت کشور های خارجی برای مدیریت تغییر نظام سیاسی در ایران مساعد شود، مخالف اند. در عین حال از حمایت بین المللی از گذار مسالمت آمیز به دموکراسی در ایران استقبال می نمایند. اکنون وظیفه آن بخش از دولتمردان و سیاست ورزان ایرانی که تا به امروز با سکوت خود در رابطه با تداوم برنامه غنی اورانیوم، دست ولی فقیه را برای کشاندن ایران به این ورطه آزاد گذاشته اند، اهمیت دو چندانی یافته است. آنان باید به منافع ملی ایران بیاندیشند و رژیم را به یک تفاهم منطقی در زمینه برنامه اتمی که خطر حمله نظامی را منقی کند تشویق نمایند.

امروز فرصتی تاریخی فراهم شده است که نیرو های سیاسی و جامعه مدنی ایران در یک اجماع ملی در مقابل سیاست های ماجراجویانه و مخرب ولی فقیه به مقابله برخیزند و با فشار بر حکومت برای توقف موقت درجه ای از غنی سازی اورانیوم که شائبه استفاده نظامی را داشته باشد، اجرای پروتکل الحاقی و پذیرش قطعنامه های شورای امنیت، نقشه راهی برای صلح طرح نمایند.

تفاهم هسته ای حکومت و برخورد صادقانه و مسئولانه با مذاکرات راه را برای برداشتن قدم های متناسب و همزمان برای رفع یا تعلیق تحریم های یک جانبه و جهانی از سوی غرب و شورای امنیت سازمان ملل و منقی شدن کامل خطر جنگ هموار می نماید.

ما امضا کنندگان این بیانیه که به مخالفت فعل با جنگ و حفظ صلح پایدار باور داریم، معتقدیم مبارزه مشترک برای پایان بخشی به ماجرا جویی اتمی و متوقف کردن خط تقابل در برنامه هسته ای با هدف پاسداشت منافع ملی ایران می تواند راهگشای راهبردی شود که مردم ایران سرنوشت خویش را رقم بزنند و با گذار مسالمت آمیز به دموکراسی و مدارا با جهان، آینده ای روشن برای پیشرفت کشور، رفاه و آزادی مردم پدید آید.

فهرست اسامی اعضاء اکنندگان به ترتیب حروف الفبا

الف(13)- سعید آگنجی، آینده آزاد بابک اجلالی، مهرداد احسانی پور، عبدالرضا احمدی، جمشید اسدی، مرتضی اصلاحچی، امیر حسین اعتمادی بزرگ،  
بیژن افخاری، علی افشاری، مریم اهری، محمد اولیایی فرد، کاظم ایزدی

ب(14)- عبدالعلی بازრگان، احمد باطبی، حسین باقر زاده، مهران براتی، محمد برقعی، شهلا بهار دوست، امیر بیکلری

پ(21)- میثاق پارسا، کوروش پارسا، حبیب پرزین، کتایون پزشکی، سعید پور حیدر، سعید پیوندی

ت(27)- علی تارخ، حبیب تبریزیان، حسین ترکاشوند، علی تقی پور، کامران تلاطف، نیره توحیدی

ج(33)- جهانشاه جاوید، آرش جنتی عطائی

چ(35)- رضا چرندابی

- ح(36-38)- سعید حبیبی، بیژن حکمت، عباس حکیم زاده
- خ(39-41)- اسماعیل ختائی، احسان خواجه، جمشید خون جوش
- د(42-44)- فریبا داودی مهاجر، مهرداد درویش پور، عبدالستار دو شوکی
- ر(45-47)- سحر رضا زاده ، شیده رضایی، علی اصغر رمضان پور
- ز(48-49)- مهین زندی، ارسلان زیازی
- س(50-52)- بهروز ستوده، نسیم سرابندی، سعیده سهرابی
- ش(53-55)- رحیم شامبیاتی ، داراب شباهنگ، منصوره شجاعی، حسن شریعتمداری، عباس شیرازی
- ص-(56-58)- بیژن صف سری، رامین صفی زاده
- ط(59-60)- حسن طالبی، اشکبوس طالبی، علی طباطبایی، شهران طبری،
- ظ(61-63)- حمید رضا ظریفی نیا
- ع(64-65)- شهره عاصمی، غلام عباسی، مزدک عبدی پور، مهدی عربشاهی، احمد عشقیار، کاظم علمداری، رضا علوی، حسین علوی، فرهمد علیپور، رضا علیجانی
- ف(66-67)- مسعود فتحی ، حسن فرشتیان ،ناهید فرهاد، منصور فرنگ ،اشکان فرید، فیروزه فولادی، شهاب فیضی
- ق(68-69)- سعید قاسمی نژاد ، رضا قاضی نوری، رضا قریشی، مهدی قلی زاده اقدم ، علی اکبر قنبری
- ک(70-71)- کاظم کردوانی، علیرضا کیانی
- گ(72-73)- امیر حسین گنج بخش
- م(74-75)- رضا میین، مجید محمدی، پویان محمودیان، پرویز مختاری، احمد مدادی، مسعود مسجدی، محمد مصطفیایی، منصور معدل، عبدالمجید معصومی تهرانی، امیر عماریان، حسن مکارمی، پیمان ملاز، مرتضی ملک محمدی، علی اکبر مهدی، بهناز مهرانی، بهزاد مهرانی، علیرضا موسوی، رضا موصولی، انور میر ستاری
- ن(76-77)- حسن نایب هاشم، یوحنا نجفی، روجان نظمی نرج آباد، شیوا نوجو، مهدی نوربخش، سجاد نیک آئین
- ه(78-79)- نادر هاشمی، عماد هاشمی، محمد هدایتی
- و(80-81)- مهدی وزیری، سجاد ویس مرادی
- ی(82-83)- هادی یوسفی